

The relationship between business strategy and tax avoidance: The modifying role of financial experts on the audit committee

Mohammad Marfou*

Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of management and accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Mahdi Mahannejad

M.Sc student, Department of Accounting, Faculty of management and accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Mostafa Ghannad

Ph.D Student of Accounting, Department of Financial Management and Accounting, Faculty of management and accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

This study seeks to examine the impact of the financial expertise of audit committee members on the relationship between business strategy and corporate tax avoidance. To assess the type of companies' applied strategy (aggressive or defensive), the Ittner and Larcker (1997) scoring system was used. For this purpose, effective tax rate (ETR) and book tax differences (BTD) were used for assessing tax avoidance and the ratio of financial experts to the number of audit committee members was used to calculate the financial expertise of audit committee members. The sample consists of 154 companies listed in Tehran Stock Exchange during 2015 - 2019. Collected data were analyzed using panel data multivariate regression model. The results showed that audit committee financial experts play only advisory role (tax avoidance promote) for defensive companies. Moreover, results indicate that accounting experts do like role of audit committee financial experts and they don't play their supervision role in the tax planning for aggressive companies.

Keywords Tax Avoidance, Financial Experts, Board of Director's, Audit Committee, Business Strategy.

*marfoua@gmail.com

پژوهش‌های حسابداری مالی

سال یازدهم، شماره چهارم، پیاپی (۴۲)، زمستان ۱۳۹۸

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۸/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

صص: ۸۶-۶۷

بررسی رابطه بین استراتژی کسب‌وکار و اجتناب مالیاتی با تأکید بر نقش تعدیلی تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی

محمد مرفوع^{۱*}، مهدی ماهان‌نژاد^{**}، مصطفی قناد^{***}

*استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

marfoua@gmail.com

**دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

mahdimahannejad@gmail.com

***دانشجوی دکتری حسابداری، گروه مدیریت مالی و حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی،

تهران، ایران

ghannad.f.a@gmail.com

چکیده

در این پژوهش، تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی در رابطه میان استراتژی کسب‌وکار و اجتناب مالیاتی شرکت بررسی می‌شود. به منظور ارزیابی نوع استراتژی انتخابی شرکت‌ها (تهاجمی یا تدافعی) از سیستم امتیازدهی ایتر و لرکر (۱۹۹۷)، برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی از دو متغیر نرخ مؤثر مالیات و تفاوت دفتری مالیات و از نسبت متخصصان مالی به تعداد اعضای کمیته حسابرسی برای محاسبه میزان تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی استفاده شده است. قلمرو زمانی پژوهش، دوره زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ بوده و نمونه پژوهش شامل ۱۵۴ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها با بهره‌مندی از الگوی رگرسیون چندمتغیره و داده‌های ترکیبی انجام شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهند متخصصان مالی کمیته حسابرسی، تنها نقش مشاوره‌ای را (تشویق به فعالیت‌های اجتناب مالیاتی) برای شرکت‌های تدافعی ایفا می‌کنند. همچنین، نتایج بیان می‌کنند متخصصان حسابداری در نتایج به‌دست‌آمده همانند نقش متخصصان مالی کمیته حسابرسی عمل می‌کنند و در برنامه‌ریزی مالیاتی برای شرکت‌های تهاجمی، نقش نظارتی خود را انجام نمی‌دهند.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، تخصص مالی، هیئت‌مدیره، کمیته حسابرسی، استراتژی کسب‌وکار

مقدمه

و ریسک‌های مرتبط با آن قرار دارند. هیئت‌مدیره‌ای که کمیته حسابرسی زیرمجموعه آن محسوب می‌شود، نقش مهمی در برنامه‌ریزی و کنترل استراتژی شرکت ایفا می‌کند؛ به همین دلیل، عامل مهمی برای تصمیم‌گیری‌های مدیریت محسوب می‌شود [۳۰، ۱۰]. هیئت‌مدیره، به صورت جانبدارانه‌ای از طریق اجرای سیستم‌های کنترل تصمیم‌گیری بر مبنای استراتژی شرکت [۱۰] و مشاوره در حوزه‌های خاص، بر تصمیمات مدیران در سطح کمیته نظارت می‌کند [۳۸، ۲۴]؛ بنابراین، انتظار می‌رود متخصصان مالی عضو کمیته حسابرسی مهارت‌ها و تخصصشان را با استراتژی کسب‌وکار شرکت تلفیق کنند تا بتوانند نقش‌های نظارتی و مشاوره‌ای خود را به درستی ایفا کنند. با استناد به این نتایج، اعضای کمیته حسابرسی با توجه به برنامه‌ریزی مالیاتی و استراتژی کسب‌وکار شرکت، رفتار خود را در نقش‌های مشاوره‌ای و نظارتی تغییر می‌دهند. در این پژوهش، تفاوت نقش‌های مشاوره‌ای و نظارتی کمیته حسابرسی با توجه به استراتژی کسب‌وکار شرکت برای اجتناب مالیاتی بررسی می‌شود. بنابراین، مسئله پژوهش به این صورت است که آیا تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر رابطه بین استراتژی کسب‌وکار و اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است. نقش تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌های مدافع و مهاجم در رابطه با فعالیت‌های اجتناب مالیاتی چگونه است.

بر اساس این، در ادامه مبانی نظری پژوهش، بیان و مطالعات در این زمینه بررسی می‌شود. بعد از بیان فرضیه‌های پژوهش، روش پژوهش تبیین خواهد شد. سپس مدل‌های پژوهش به همراه تعریف عملیاتی متغیرها شرح داده می‌شوند؛ در نهایت، نتیجه‌گیری از یافته‌های پژوهش و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی ارائه خواهد شد.

امروزه کمیته‌های حسابرسی نقش حیاتی در برنامه‌ریزی مالیاتی و مدیریت ریسک مالیاتی دارند [۳۴، ۱۵]. حوزه نظارت کمیته حسابرسی، جنبه‌های دیگری مانند مباحث مالیاتی، مدیریت ریسک و تکنولوژی اطلاعات را دربرمی‌گیرد؛ درحالی‌که هرکدام پیچیدگی‌ها و ریسک‌های خاص خودشان را دارند. با توجه به این موضوع، اهمیت متخصصان مالی در کمیته حسابرسی نسبت به گذشته دو چندان شده است [۲۶]. روبینسون و همکاران [۳۵] در پژوهشی با بررسی تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی به نتیجه مثبتی بین تخصص مالی و سطوح اجتناب مالیاتی (مطابق با نقش مشاوره‌ای مدیران) و رابطه منفی بین تخصص مالی و استفاده از استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی پر ریسک (مطابق با نقش نظارتی مدیران) دست یافتند. در پژوهش‌های آرم‌استرانگ و همکاران [۸]، چن و همکاران [۱۳] و اسلیمرد [۳۶] مطرح شد سطح اجتناب مالیاتی برای شرکت، زمانی مطلوبیت دارد که ارزش شرکت را بالا ببرد. همچنین، ادامز و فریبا [۷]، نقش‌های دوگانه اعضای هیئت‌مدیره (به‌عنوان ناظر و مشاور) را توصیف می‌کنند که براساس آن، گروه مشاوران برای کمک به تصمیم‌گیری مطلوب مدیریت تشکیل می‌شود تا مدیران را از انجام فعالیت‌های مخالف با منافع سهامداران منع کنند. آرم‌استرانگ و همکاران [۸] دریافتند هیئت‌مدیره‌های مستقل‌تر و تخصصی‌تر، اجتناب مالیاتی بیشتر را برای شرکت‌هایی تجویز می‌کنند که زنجیره اجتناب مالیاتی کمتری دارند که با هر دو نقش آنها مطابقت دارد. با نظر گرفتن پیچیدگی‌های مباحث مالیاتی، اعضای کمیته حسابرسی با تخصص مالی، در موقعیت ایده‌آل و بی‌نظیری برای نظارت و مشاوره بر تصمیمات اجرایی درباره فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اجتناب مالیاتی و کمیته حسابرسی

کوک و همکاران [۱۴] وجود رابطه مثبت بین انحراف از سطح اجتناب مالیاتی شرکت را با توجه به انتظارات و هزینه سرمایه پیش‌بینی شده بررسی کردند. در نهایت، کاملاً مشخص نشد چه عواملی سبب ایجاد سطح مطلوب اجتناب مالیاتی می‌شود و چرا و چگونه شرکت باید برنامه‌ریزی و گزارشگری مالیاتی داشته باشد؛ در حالی که در بیشتر مباحث پیشین، بر اجتناب مالیاتی در سطح شرکت‌ها تمرکز شده است. در پژوهش‌های اخیر، اجتناب مالیاتی با استفاده از اطلاعات کسب‌شده از کشورهای مختلف و با تأکید بر نقش مدیران اجرایی شرکت‌ها به‌عنوان عامل تعیین‌کننده بررسی شده است؛ برای مثال، در پژوهش‌های اخیر، اجتناب مالیاتی (مستقیم یا غیرمستقیم) با پاداش هیئت رئیسه [۱۶، ۲۹، ۳۳]، مالکیت سازمانی [۱۳، ۱۶]، وضعیت شرکت‌های هم‌گروه [۳۷، ۳۱، ۱۳] و مسئولیت‌پذیری اجتماعی [۲۵] با هم تلفیق و مرتبط می‌شوند. هیئت‌مدیره بخشی است که در اجتناب مالیاتی کمترین توجه به آن شده است. از منظر تئوری، هیئت‌مدیره شرکت با تعیین و کنترل استراتژی‌های شرکت در انتخاب و پاداش‌دهی و نظارت بر تصمیمات شرکت و تضمین افزایش سود سهامداران نقش مهمی دارد [۱۷، ۱۰]. در پژوهش اسلیمرد [۳۶] و کوک و همکاران [۱۴]، برنامه‌ریزی مالیاتی و هیئت‌مدیره بررسی شده است؛ به این صورت که مدیران برای مشارکت کمتر یا بیشتر در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی حق انتخاب دارند. مدیران ریسک‌گریز ممکن است از فعالیت‌های اجتناب مالیاتی دارای ابهام اجتناب کنند؛ حتی اگر

این احتمال وجود داشته باشد که منافی برای سهامداران ایجاد کند [۳۳]. همچنین، ممکن است مدیران در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی پُرسیک و پیچیده‌ای وارد شوند که احتمالاً ابزاری برای کسب منافع شخصی بالاتر یا پنهان کردن دستیابی به آنها خواهد بود [۱۶]. رویسنون و همکاران [۳۵]، تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی را برحسب تمام سطوح اجتناب مالیاتی، با استفاده از استراتژی‌های اجتناب مالیاتی مبهم و پُرسیک بررسی کردند. آنها رابطه مثبتی بین تخصص مالی در کمیته حسابرسی و سطوح اجتناب مالیاتی و همچنین، رابطه منفی بین تخصص مالی در کمیته حسابرسی و تمایل به استفاده از استراتژی‌های پُرسیک برنامه‌ریزی مالیاتی به دست آوردند. شواهد نشان می‌دهند متخصصان مالی در کمیته حسابرسی براساس برنامه‌ریزی مالیاتی، نقش مشاوره و با توجه به میزان ریسک‌پذیری شرکت در فرایند برنامه‌ریزی مالیاتی، نقش نظارت دارند؛ بنابراین، این پژوهش مباحث پیشین را با بررسی نقش‌های مشاوره‌ای و نظارتی متخصصان مالی کمیته حسابرسی در فرایند برنامه‌ریزی مالیاتی و با توجه به استراتژی کسب و کار شرکت ادامه می‌دهد.

استراتژی کسب و کار

در تعریف استراتژی، تفاهم کلی و جامعی وجود ندارد و صاحب‌نظران مختلف این واژه را به‌صورت گوناگونی به کار می‌برند. واژه استراتژی شرکت، چگونگی انتخاب استراتژی‌های مختلف توسط شرکت، روش‌های تصمیم‌گیری در مسائل حساس مدیریت، مسائل کارآفرینی و مسائل اجرایی را توصیف می‌کند [۲۸، ۲۷]. مایلز و همکاران [۲۷]

را دارند و بیشتر سعی می‌کنند سهمی از بازار را حفظ کنند؛ درحالی‌که مبتکر نیز هستند. درنهایت منفعلان، استراتژی حساب‌شده و یکپارچه‌ای را دنبال نمی‌کنند و شرکت‌های ناکارآمد قلمداد می‌شوند [۳۹]. با توجه به این استراتژی‌ها، انتظار می‌رود مدیران شرکت‌های تدافعی محافظه‌کارانه‌تر از دیگران عمل کنند و نسبت به ابهام‌های مربوط به اجتناب مالیاتی حساس‌تر باشند؛ درنتیجه، مدیرانی که استراتژی تدافعی را دنبال می‌کنند، فرصت‌های اجتناب مالیاتی پُرسیک و پرهزینه را نادیده می‌گیرند؛ حتی اگر اجتناب مالیاتی بتواند سودی برای سهامداران داشته باشد. درمقابل، استراتژی تهاجمی بیشتر به ریسک‌پذیری رقابتی منجر می‌شود و احتمالاً شرکت، بیشتر در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی وارد می‌شود. علاوه بر این، مهاجمان تحلیل دقیقی از هزینه - منفعت برنامه‌ریزی مالیاتی ندارند و بیشتر مایل‌اند در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی پُرسیک‌تر وارد شوند. مدیران شرکت‌های تهاجمی، حساسیت کمتری به ابهام‌های مربوط به اجتناب مالیاتی دارند و به احتمال بیشتر، آستانه تحمل بیشتری برای جریمه‌های مالیاتی احتمالی یا تهدیدهای مربوط به بدنامی شرکت به‌واسطه افشاگری عمومی از اجتناب مالیاتی دارند؛ بنابراین، مدیرانی که استراتژی تهاجمی دارند، احتمالاً در برنامه‌ریزی مالیاتی رفتار تهاجمی نیز دارند. هیگینز و همکاران [۲۱] رابطه بین اجتناب مالیاتی و استراتژی شرکت را با استفاده از چارچوب مایلز و همکاران کشف کردند. مطابق با انواع استراتژی تدافعی و تهاجمی به این نتیجه رسیدند که مهاجمان بیشتر وارد فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند و درنتیجه،

چهار نوع استراتژی با نام‌های مدافعان^۱، تحلیل‌گران^۲، مهاجمان^۳ و منفعلان^۴ را معرفی کردند که هر یک رویکردهای متفاوتی برای رقابت در بازار و تمایل به ابداع و ریسک‌پذیری دارند. در استراتژی تدافعی، با ارائه مجموعه محدودی از محصولات یا خدمات سعی می‌شود زیرمجموعه‌ها محدودتر شود و به بازارهای بزرگتری هدایت شوند. این فرایند با رشد تدریجی سهم بازار در بازارهای کنونی و با استفاده از راهکارهای قیمت‌گذاری رقابتی محقق می‌شود. مدافعان با هدف قراردادن حوزه‌های پایدار و با تمرکز بر تولید و توزیع خدمات و محصولات به کارآمدترین شکل و با هزینه مناسب، مسئله مهندسی را حل می‌کنند. این نوع استراتژی بیشتر بر افزایش کارایی و ثبات، نظام برنامه‌ریزی دقیق، ریسک‌گریزی و اجتناب از فعالیت‌های همراه با ابهام تأکید دارد. همچنین مهاجمان، بیشتر به دنبال کشف محصول جدید و فرصت‌هایی در بازار برای رقابت‌کردن‌اند. این شرکت‌ها با ابداع و تولید و پیشرفت در بازار به دنبال برتری‌یافتن در سطح بازارند. برای این شرکت‌ها، حفظ شهرت به‌عنوان کارآفرین و مبتکر ممکن است مهم‌تر از سودآوری بیشتر باشد. مهاجمان معمولاً ریسک‌پذیر و انعطاف‌پذیرند و می‌توانند به سرعت به فرصت‌های جدید پاسخ دهند و مزیت رقابتی برای خود ایجاد کنند. نسبت به مدافعان، مهاجمان چندان توجهی به کاهش قیمت‌ها ندارند و بیشتر بر نوآوری و ابداع متمرکز می‌شوند. تحلیل‌گران که استراتژی سوم مایلز و همکاران [۲۷] معرفی شده‌اند، خصوصیات مشترکی از مدافعان و مهاجمان

1. defenders
2. analyzers
3. prospectors
4. reactors

نسبت به مدافعان، بیشتر راه‌های پُرسیک و نامطمئن را برای این کار انتخاب می‌کنند.

تخصص مالی کمیته حسابرسی و استراتژی کسب و کار

هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی که زیرمجموعه آن محسوب می‌شود، نقش مهم و کلیدی در پایه‌ریزی و اجرای استراتژی‌های شرکت دارند؛ به همین دلیل، این جنبه در پژوهش‌های بایسینگر و هاسکیسون [۱۰] و میزروچی [۳۰] شایان توجه قرار گرفت. به هر حال، تأثیر هیئت‌مدیره بر نتایج کار شرکت با فعالیت‌های گوناگونی از جمله تعیین اهداف، برآورده‌سازی انتظارات سهامداران و همچنین، اتخاذ تصمیمات استراتژیک مرتبط است [۳۹،۳۰]؛ براساس این، هیئت‌مدیره نقش کنترلی (برای مثال حفاظت از منافع سهامداران) دارد و نیز از حوزه‌های خدماتی (برای مثال مشاوره و راهنمایی)، حوزه‌های استراتژیک (برای مثال تعیین استراتژی و کنترل مؤثر استراتژی) و بخش‌های اجرایی حمایت می‌کند [۱۱،۹]. با توجه به مطالب گفته‌شده، هیئت‌مدیره دو نوع سیستم کنترل تصمیم‌گیری با نام کنترل‌های استراتژیک و کنترل‌های مالی در اختیار دارد [۲۲،۱۹]. در سیستم‌های کنترل مالی، بیشتر مدیران برحسب عملکرد مالی پیشین شرکت، به صورت عینی ارزیابی می‌شوند. سیستم کنترل‌های تصمیم‌گیری، بیشتر بر هیئت‌مدیره متکی است؛ درحالی‌که نظارت و تعیین نقش‌ها تابعی از استراتژی کسب و کار شرکت است که با شناخت رویکرد هیئت‌مدیره، ارزیابی کارهای اجرایی و کیفیت تصمیمات اجراشده انجام می‌گیرد. با توجه به اینکه مدیران اجرایی از سیستم‌های کنترل تصمیم‌گیری هیئت‌مدیره آگاه‌اند؛

بنابراین، این کنترل‌ها بر وضعیت ریسک‌پذیری آنها تأثیر می‌گذارد [۲۰]. در سیستم‌های کنترل استراتژیک، عمدتاً مدیران برحسب کیفیت تصمیمات پیش‌بینی‌شده به صورت غیرعینی ارزیابی می‌شوند؛ درحالی‌که اهداف مالی پیشین نیز ارزیابی و سنجش می‌شوند. وقتی اتکای هیئت‌مدیره به کنترل‌های مالی رو به افزایش است، مدیران اجرایی به طور فزاینده‌ای بر برنامه‌های مالی کوتاه‌مدت تمرکز می‌کنند و اقدامات آنها از استراتژی‌های پُرسیک (برای مثال اجتناب مالیاتی تهاجمی) فاصله می‌گیرد که ممکن است حتی برای سهامداران سودآوری داشته باشد. وقتی اتکای هیئت‌مدیره به کنترل‌های استراتژیک بیشتر می‌شود، مدیران اجرایی فعالیت‌ها و تصمیمات پُرسیک و تهاجمی‌تری را دنبال می‌کنند و از نقدینگی بیشتری استفاده می‌برند. زمانی که هیئت‌مدیره از عهده هر دو نقش خود به خوبی برآید، اعضای هیئت‌مدیره، مهارت‌ها و تخصص خود را با شناخت کاری و استراتژی شرکت در هم تلفیق می‌کنند تا به منظور ارزیابی و ارائه پیشنهادهایی برای راهبری شرکت و کمیته حسابرسی از آن بهره ببرند [۳۹،۱۸]؛ براساس این، با در نظر گرفتن پیچیدگی‌های مباحث مالیاتی، متخصصان مالی کمیته حسابرسی با توجه به جایگاه نظارتی، برنامه‌ریزی‌های مالیاتی و ریسک‌های مرتبط، استراتژی شرکت را ارزیابی می‌کنند. شرکت‌های دارای استراتژی تدافعی به طور طبیعی ریسک‌گریزند و کمتر در اجتناب مالیاتی سرمایه‌گذاری می‌کنند [۲۱]؛ در نتیجه، انتظار می‌رود متخصصان مالی کمیته حسابرسی بیشتر نقش مشاوره‌ای داشته باشند و مدیران را به فعالیت‌های اجتناب مالیاتی ترغیب کنند. همچنین، شرکت‌های

استفاده از داده‌های ۳۵ کشور دنیا را بررسی کرد. نتایج پژوهش او نشان می‌دهد بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی (براساس تفاوت دفتری مالیات و باقیمانده تفاوت دفتری مالیات) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش بیان می‌کنند در کشورهای با مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی ضعیف، شرکت‌های با شاخص‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتر، اجتناب مالیاتی کمتری دارند [۴۰].

های^۲ در پژوهشی رابطه بین اجتناب مالیاتی و سن مدیران را بررسی کرد. او با استفاده از داده‌های مربوط به بازه زمانی ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۳ نتیجه گرفت سن مدیران با نرخ مؤثر نقدی مالیات رابطه مثبت و معنادار و با تفاوت دفتری مالیات رابطه منفی و معناداری دارد؛ براساس این، با افزایش سن مدیران فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها کاهش می‌یابد [۲۳].

پی و همکاران [۳۲] در مطالعه‌ای نقش تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی در رابطه میان استراتژی کسب‌وکار و اجتناب مالیاتی را بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهند تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر رابطه میان استراتژی کسب‌وکار و اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است؛ به طوری که متخصصان مالی در کمیته حسابرسی در شرکت‌های تدافعی نقش مشاوره و برای شرکت‌های تهاجمی نقش نظارت دارند. آنها بیان می‌کنند متخصصان حسابداری و غیرحسابداری در کمیته حسابرسی در نتایج به دست آمده نقش دارند. موری و همکاران [۳۱] در پژوهشی با موضوع «طبقه‌بندی‌های هیئت‌مدیره و شرکت‌های خانوادگی»

تهاجمی بیشتر برای ابداع و ریسک‌پذیری آماده‌اند و ممکن است در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی با ابهام و ریسک‌پذیری بالاتری وارد شوند که از دید سهامداران مطلوب باشد [۲۱]؛ براساس این، از متخصصان مالی کمیته حسابرسی در این شرکت‌ها انتظار می‌رود بیشتر نقش نظارتی داشته باشند و راهکارهای اجتناب مالیاتی که ممکن است شرکت با آن مواجه باشد را کنترل کنند.

پژوهش حاضر، تفاوت‌هایی با پژوهش‌های پیشین دارد؛ از این لحاظ که شرایط استراتژی کسب‌وکار شرکت با توجه به عملکرد اعضای کمیته حسابرسی و چگونگی مطابقت آنها با نقش‌های ارائه شده بررسی می‌شود. همچنین، متخصصان حسابداری و غیرحسابداری از هم تفکیک می‌شوند و ارتباط آنها در برنامه‌ریزی مالیاتی براساس استراتژی کسب‌وکار شرکت بررسی می‌شود. در این پژوهش، براساس پژوهش هیگینز و همکاران [۲۱]، از دو طیف استراتژی کسب‌وکار شامل استراتژی تدافعی و تهاجمی استفاده می‌شود و از سیستم امتیازدهی اینتر و لکر [۲۴] نیز برای ارزیابی نوع استراتژی انتخابی شرکت‌ها استفاده شده است.

اجتناب مالیاتی یکی از مباحث مهمی است که در زمینه مالیات مطرح است؛ از این رو، پژوهشگران زیادی در جهان رابطه بین اجتناب مالیاتی و عوامل مختلف را سنجیده‌اند که در ادامه به مطالعات انجام شده در این خصوص اشاره می‌شود.

ژنگ^۱ در مقاله‌ای با موضوع «رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی» رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی با

اجتناب مالیاتی شرکت و نبود شفافیت شرکت ارتباط مثبت وجود دارد. گفتنی است فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت این امکان را فراهم می‌کند که مدیران از سیاست‌های شرکت در جهت منافع خود بهره‌برداری کنند.

کیم و همکاران [۲۵] در مطالعه‌ای با موضوع «اجتناب مالیاتی شرکت و خطر سقوط قیمت سهام»، نتیجه گرفتند در شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی داشته‌اند احتمال سقوط قیمت سهام بالاتر است. آنها شواهدی به دست آوردند، مبنی بر اینکه شرکت‌های دارای اجتناب مالیاتی، جریان اطلاعات خاص شرکت را محدود می‌کنند. به اعتقاد آنها اجتناب مالیاتی به مدیران اجازه می‌دهد اخبار منفی شرکت را پنهان کنند. این امر از انجام اقدامات اصلاحی به موقع یا فسخ پروژه‌های زیان‌آور سرمایه‌گذاران و هیئت‌مدیره جلوگیری می‌کند. زمانی که اخبار منفی انباشته شده به نقطه اوج خود برسند، دیگر شرکت قادر به پنهان کردن آنها نخواهد بود و در نتیجه، این اطلاعات منفی در بازار منتشر می‌شوند. آنها نشان دادند این رابطه در شرکت‌هایی ضعیف‌تر است که از حاکمیت شرکتی قوی برخوردارند.

شجاعی‌الله‌کائی و نیک‌پور [۶] مقاله‌ای با موضوع «آزمون ارتباط استقلال هیئت‌مدیره، اندازه هیئت‌مدیره و کیفیت حسابرسی با اجتناب مالیاتی» تأثیر استقلال هیئت‌مدیره، اندازه هیئت‌مدیره و کیفیت حسابرسی بر اجتناب مالیاتی را بررسی کردند. آنها با استفاده از داده‌های مربوط به ۹۶ شرکت برای یک دوره پنج ساله در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ به این نتیجه رسیدند که بین استقلال هیئت‌مدیره و اندازه هیئت‌مدیره با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری

به رابطه مثبتی بین استقلال شرکت و اجتناب مالیاتی با استفاده از نمونه شرکت‌های آمریکایی دست یافتند. آرم‌استرانگ و همکاران [۸] در مطالعه‌ای با موضوع «حاکمیت شرکتی، انگیزه‌ها و اجتناب مالیاتی» شواهدی مبنی بر انطباق هر دو نقش هیئت‌مدیره با استقلال و تخصص به دست آوردند؛ درحالی‌که کارایی با میزان اجتناب مالیاتی کمتر در ارتباط بود.

هیگینز و همکاران [۲۱] رابطه بین اجتناب مالیاتی و نوع استراتژی شرکت را بررسی کردند و نتیجه گرفتند مهاجمان، ریسک‌پذیری بیشتری در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی دارند و با ریسک بیشتری نسبت به مدافعان، وارد فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند.

در زمینه اجتناب مالیاتی غیرعادی در میان شرکت‌های استرالیایی، ریچاردسون و همکاران [۳۴] نتیجه گرفتند هرچقدر نسبت مدیران مستقل هیئت‌مدیره بیشتر باشد، به صورت معکوسی با اجتناب مالیاتی مرتبط است که با نقش نظارتی آنها تطابق دارد. به طور مشابهی، در شرکت‌های فینیش، استلجورز و نیسکانان [۳۷] نیز از این مشخصه استفاده کردند و به این نتیجه رسیدند که وجود اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره، اجتناب مالیاتی را در شرکت‌های خصوصی خانوادگی محدود می‌کند.

چن و همکاران [۱۲] در پژوهشی با موضوع «اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و عدم شفافیت شرکت»، اثرات اجتناب مالیاتی بر محیط اطلاعاتی شرکت را به‌طور مستقیم بررسی کردند و با استفاده از معیارهای چندگانه اجتناب مالیاتی به این نتیجه رسیدند که بین

شرکت، ارتباط معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که حسابرس آنها متخصص صنعت باشد، نرخ مؤثر مالیاتی کمتر، نرخ مؤثر مالیات نقدی کمتر و تفاوت دفتری مالیات بیشتری نسبت به شرکت‌هایی دارند که حسابرس آنها متخصص صنعت نیست. این امر نشان‌دهنده سطح بالای اجتناب مالیاتی این شرکت‌ها است.

حساس یگانه و گل محمدی [۲] در مقاله‌ای با عنوان «نرخ مؤثر مالیات و ویژگی‌های شرکت‌ها» به این نتیجه رسیدند که نرخ مؤثر مالیات به نرخ قانونی نزدیک است. این نرخ در هر صنعت تقریباً یکسان است و ارتباط منفی بین نرخ مؤثر مالیات با اندازه شرکت و سودآوری و ارتباط مثبتی میان نرخ مؤثر مالیات با اهرم‌های مالی وجود دارد؛ اما بین نرخ مؤثر مالیاتی با شدت سرمایه‌گذاری و ساختار مالکیت ارتباط معناداری وجود ندارد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش در قالب موارد زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه اول: افزایش تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌های تهاجمی، کاهش اجتناب مالیاتی را سبب می‌شود.

فرضیه دوم: افزایش تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌های تدافعی، افزایش اجتناب مالیاتی را سبب می‌شود.

فرضیه سوم: افزایش خبرگی و تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌های تهاجمی، کاهش اجتناب مالیاتی را سبب می‌شود.

وجود دارد. آنها همچنین با استفاده از متغیرهای توضیح‌دهنده در کیفیت حسابرسی، یعنی اندازه مؤسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرس، نتیجه گرفتند این دو متغیر با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری دارند.

خواجهی و کیامهر [۴] رابطه بین کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. دوره زمانی پژوهش آنها ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ و نمونه انتخابی آنها بالغ بر ۱۳۰ شرکت است. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهند کیفیت حسابرس بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های بورسی براساس هزینه مؤثر مالیاتی و تفاوت دفتری مالیات تأثیر مستقیم و معناداری دارد.

دیانتی و همکاران [۵] در پژوهشی با عنوان «رابطه بین استراتژی تجاری شرکت و سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» نتیجه گرفتند زمانی که اجتناب مالیاتی بر مبنای نرخ مؤثر مالیاتی نقدی بلندمدت سنجیده می‌شود، میان استراتژی تجاری شرکت و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی بلندمدت رابطه معناداری وجود دارد؛ براساس این، شرکت‌هایی که به دنبال حداقل کردن هزینه‌ها هستند، اجتناب مالیاتی پایین‌تری نسبت به شرکت‌هایی دارند که به دنبال فرصت رشد بیشتر و نوآوری در تولیدند.

خانی ایمانی و مولایی [۳] در پژوهشی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهند بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی

سود قبل از مالیات آنها از سال ۱۳۹۳ تا سال ۱۳۹۷ مثبت باشد.

با در نظر گرفتن معیارهای بالا، ۱۵۴ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده‌اند؛ بنابراین، مشاهدات پژوهش طی بازه زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ به ۷۷۰ سال - شرکت می‌رسد. به منظور جمع‌آوری اطلاعات درباره ادبیات موضوعی و پیشینه پژوهش از روش کتابخانه‌ای و برای دستیابی به داده‌های واقعی مورد نیاز پژوهش، اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، با توجه به تعریف متغیرهای پژوهش، از منابع مختلفی از جمله داده‌های منتشر شده در صورت‌های مالی، ره‌آورد نوین، سایت اطلاع‌رسانی شرکت بورس و سازمان بورس استفاده شده است. داده‌ها در نرم‌افزار اکسل طبقه‌بندی و مرتب شده‌اند و سپس تجزیه و تحلیل آنها با نرم‌افزار ایویوز ۱۹ انجام شده است.

مدل‌های پژوهش و متغیرهای آن

مدل‌های رگرسیون و اجزای آنها، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش به صورت زیرند:

$$\text{TaxPlanning} = \alpha + \beta_1 \text{FED} + \quad \text{مدل (۱)}$$

$$\beta_2 \text{FED} * \text{PROSPECTOR} + \beta_3 \text{PROSPECTOR} + \gamma \text{Contorols} + \varepsilon$$

$$\text{TaxPlanning} = \alpha + \beta_1 \text{ACCD} + \quad \text{مدل (۲)}$$

$$\beta_2 \text{NONACCD} + \beta_3 \text{ACCD} * \text{PROSPECTOR} + \beta_4 \text{NONACCD} * \text{PROSPECTOR} + \beta_5 \text{PROSPECTOR} + \gamma \text{Contorols} + \varepsilon$$

فرضیه چهارم: افزایش خبرگی و تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌های تدافعی، افزایش اجتناب مالیاتی را سبب می‌شود.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف، پژوهشی کاربردی و از لحاظ موضوعی، پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی است. برای بررسی وجود رابطه همبستگی بین متغیرها از تحلیل رگرسیون و از داده‌های ترکیبی پانل و آزمون‌های F لیمر و هاسمن استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش برای اینکه نمونه آماری یک نماینده مناسب از جامعه آماری مدنظر باشد، از شرکت‌هایی انتخاب شده‌اند که:

۱. هلدینگ، سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی، بیمه، لیزینگ و صنعت بانکداری نباشند؛
۲. در طول دوره پژوهش سال مالی شان تغییر نکرده باشد؛
۳. در طول دوره پژوهش فعالیت مستمر داشته باشند؛
۴. داده‌های مدنظر آنها در دسترس باشند؛
۵. شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها پایان اسفند هر سال باشد؛
۶. قبل از سال ۱۳۹۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند؛
۷. به دلیل شرایط محاسبه معیار نرخ مؤثر مالیات و با توجه به اینکه نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌های زیان‌ده تحریف شده است و به سختی تفسیر می‌شود، شرکت‌هایی در نمونه قرار می‌گیرند که

متغیر				
اجتناب مالیاتی				
نسبت هزینه مالیات شرکت به سود قبل از مالیات کاهش نرخ مؤثر مالیات نشان‌دهنده سطح بالای اجتناب مالیاتی است [۲۱]؛ بنابراین، نرخ‌های مالیاتی محاسبه‌شده، در عدد منفی یک (-۱) ضرب می‌شوند.			نرخ مؤثر مالیات (<i>ETR</i>)	
نسبت تفاوت سود قبل از مالیات و درآمد مالیاتی بر جمع دارایی‌ها درآمد مالیاتی از تقسیم هزینه مالیات بر نرخ قانونی مالیات به دست می‌آید. افزایش تفاوت دفتری مالیات نشان‌دهنده سطح بالای اجتناب مالیاتی است [۲۱].			تفاوت دفتری مالیات (<i>BTD</i>)	
براساس پژوهش هیگینز و همکاران [۲۱] و خواجه‌وی و کیامهر [۴]				
استراتژی کسب‌وکار				
تعداد کارکنان کل فروش	نرخ رشد فروش	هزینه تبلیغات کل فروش	ارزش بازار ارزش دفتری	دارایی‌های ثابت کل دارایی‌ها
۵	۵	۵	۵	۱
۴	۴	۴	۴	۲
۳	۳	۳	۳	۳
۲	۲	۲	۲	۴
۱	۱	۱	۱	۵
<p>داده‌های نگاره به حالت نزولی مرتب می‌شوند. برای اندازه‌گیری به این صورت عمل می‌شود که از متغیرهای اشاره‌شده در بالا پنجگ گرفته می‌شود. برای هر یک از چهار متغیر اول (متغیر پنجم برعکس است) به شرکت‌هایی که در پنجگ اول قرار دارند امتیاز ۱، پنجگ دوم امتیاز ۲، پنجگ سوم امتیاز ۳، پنجگ چهارم امتیاز ۴ و پنجگ پنجم امتیاز ۵ تعلق می‌گیرد. برای هر پنج متغیر اشاره‌شده این کار صورت می‌گیرد. امتیاز هر شرکت بین ۵ تا ۲۵ خواهد بود که ۵ تا ۱۵ استراتژی تدافعی و ۱۵ تا ۲۵ تهاجمی است.</p> <p>اینتر و لکر [۲۴] و تنانی و محب‌خواه [۱]</p>				
استراتژی تهاجمی (<i>PROSPECT</i>)			به صورتی که اگر شرکت، استراتژی تهاجمی داشته باشد، متغیر مقدار ۱ به خود می‌گیرد و در غیر این صورت عدد صفر.	
کمیته حسابرسی				
تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (<i>FED</i>)			نسبت متخصصان مالی کمیته حسابرسی	
خبرگی و تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی (<i>ACCD</i>)			نسبت متخصصان مالی کمیته حسابرسی در صورتی که سابقه حرفه‌ای در رشته حسابداری یا حسابرسی مانند عضویت در انجمن‌های رسمی حسابداری داشته باشند.	
خبرگی و تخصص مالی غیرحسابداری اعضای کمیته حسابرسی (<i>NONACCD</i>)			نسبت متخصصان مالی کمیته حسابرسی در صورتی که سابقه حرفه‌ای در رشته حسابداری یا حسابرسی نداشته باشند؛ اما سابقه حرفه‌ای اموری مانند مدیریت مالی داشته باشند.	
براساس پژوهش پی و همکاران [۳۲]				
متغیرهای کنترل				
اندازه هیئت‌مدیره (<i>BSIZE</i>)			لگاریتم طبیعی تعداد اعضای هیئت‌مدیره	
استقلال هیئت‌مدیره (<i>OUTD</i>)			نسبت مدیران غیرموظف هیئت‌مدیره	

اندازه کمیته حسابرسی (ACSIZE)	لگاریتم طبیعی تعداد اعضای کمیته حسابرسی
اندازه شرکت (Size)	لگاریتم جمع دارایی‌ها
بازده دارایی‌ها (ROA)	سود قبل از مالیات تقسیم بر جمع دارایی‌ها
اهرم مالی (LEV)	نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها
نسبت دارایی نامشهود (INTAN)	دارایی‌های نامشهود تقسیم بر جمع دارایی‌ها
نسبت دارایی ثابت (PPNET)	دارایی‌های ثابت تقسیم بر جمع دارایی‌ها
اثرات ثابت صنعت (INDUSTRY)	متغیر مجازی است و اثر صنعت را کنترل می‌کند.
اثرات ثابت سال (YEAR)	متغیر مجازی است و اثر تغییرات در طول زمان را کنترل می‌کند.
براساس پژوهش هیگینز و همکاران [۲۱] و پی و همکاران [۳۲]	

یافته‌های پژوهش

حداقل و حداکثر مشاهدات و شاخص‌های مرکزی شامل میانگین و میانه‌اند. انحراف معیار نیز به‌عنوان نماینده‌ای از شاخص‌های پراکندگی ارائه شده است.

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در نگاره (۱) ارائه شده است. آماره‌های توصیفی شامل

نگاره ۱. خلاصه آمار توصیفی

متغیرهای پژوهش	معادل فارسی	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
ETR	نرخ مؤثر مالیات*	-۰/۱۲۳	-۰/۱۴	۰	-۰/۲۶	۰/۰۸۶
BTD	تفاوت دفتری مالیات	۰/۰۶۳	۰/۰۳۵	۰/۵۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۸۷
STERATEGY	استراتژی کسب و کار	۱۵/۰۳۹	۱۵	۲۴	۷	۲/۸۸۶
FED	تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی	۰/۶۶۳	۰/۶۶۷	۱	۰	۰/۲۱۲
ACCD	خبرگی و تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی	۰/۵۰۳	۰/۶۶۷	۱	۰	۰/۲۲۰
NONACCD	خبرگی و تخصص مالی غیرحسابداری اعضای کمیته حسابرسی	۰/۱۵۸	۰	۰/۸	۰	۰/۲۳۴
BFSIZE	اندازه هیئت مدیره	۱/۶۱۳	۱/۶۰۹	۱/۹۴۶	۱/۶۰۹	۰/۰۳۶
OUTD	استقلال هیئت مدیره	۰/۶۶۸	۰/۶	۱	۰/۴	۰/۱۵۵
ACSIZE	اندازه کمیته حسابرسی	۱/۱۵۳	۱/۰۹۹	۱/۶۰۹	۱/۰۹۹	۰/۱۵۷
SIZE	اندازه شرکت	۱۴/۶۲۷	۱۴/۳۳۲	۱۸/۸۰۹	۱۱/۹۶	۱/۴۷۷
ROA	بازده دارایی‌ها	۰/۱۲۶	۰/۰۸۵	۰/۶۴۵	۰/۰۰۲	۰/۱۲۲
LEV	اهرم مالی	۰/۵۴۲	۰/۵۵۲	۰/۹۴۱	۰/۰۴۸	۰/۲۰۱
INTAN	نسبت دارایی نامشهود	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۰۵۳	۰	۰/۰۱
PPEINT	نسبت دارایی ثابت	۰/۲۵۵	۰/۲۱	۰/۷۵۵	۰/۰۰۳	۰/۱۹۶

منبع: یافته‌های پژوهش * نرخ‌های مالیاتی محاسبه شده، در عدد منفی یک (-) ضرب شده است.

مقادیری بین ۵ تا ۲۵ دارد. بازه عدد ۵ تا ۱۵ نشان‌دهنده استراتژی تدافعی و بازه عددی ۱۵ تا ۲۵

در این پژوهش مقدار میانگین متغیر استراتژی کسب و کار ۱۵/۰۳۹ است. متغیر استراتژی کسب و کار

تخصص مالی و ۵۰٪ خبرگی و سابقه حرفه‌ای حسابداری یا حسابرسی دارند. استقلال اعضای کمیته که طبق منشور کمیته حسابرسی باید حداقل از یک یا دو عضو غیرموظف هیئت‌مدیره در ترکیب‌های ۳ نفره و ۵ نفره تشکیل شده باشد، نشان می‌دهد در شرکت‌های نمونه استقلال رعایت شده است و بیشتر شرکت‌ها استقلال داشته‌اند که حداقل ۴۰٪ (۲ عضو از ۵ عضو) و میانگین نزدیک به ۶۷٪ (دو عضو از سه عضو یا سه عضو از پنج عضو) نیز نشان‌دهنده این ادعا است.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون چاو که در نگاره (۲) نشان داده شده‌اند، سطح معناداری F لیمر کمتر از ۰.۵٪ بوده است و باید از روش داده‌های تابلویی استفاده شود.

نشان‌دهنده استراتژی تهاجمی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند به‌طور میانگین، شرکت‌های بررسی شده استراتژی بینابین تهاجمی و تدافعی را انتخاب کرده‌اند. ۱۵ عدد میانه این متغیر است که نشان می‌دهد ۵۰٪ مشاهدات، ارزش‌هایی پایین‌تر از این مقدار و ۵۰٪ دیگر مقادیری بالاتر از آن دارند. حداکثر و حداقل محاسبه شده برای این متغیر ۲۴ و ۷ است. عدد ۲۴ بیان‌کننده شرکت با بیشترین سطح تهاجمی در استراتژی کسب‌وکار و عدد ۷ بیان‌کننده شرکت با بیشترین سطح تدافعی در استراتژی کسب‌وکار است. با توجه به میانگین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (FED) و خبرگی و تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی (ACCD)، اعضای کمیته حسابرسی به‌ترتیب ۶۶٪

نگاره ۲. نتایج آزمون چاو (F لیمر)

مدل	ETR		BTD	
	آماره چاو (F لیمر)	سطح معناداری	آماره چاو (F لیمر)	سطح معناداری
۱	۱/۴۰۸	۰/۰۰۲	۵/۸۷۳	۰/۰۰۰
۲	۱/۴۲۹	۰/۰۰۲	۵/۸۷۶	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

مدل‌های پژوهش کوچکتر از ۰.۵٪ است؛ بنابراین، رویکرد استفاده‌شده در برآورد مدل‌ها روش اثرات ثابت است.

همچنین، نتایج آزمون هاسمن برای تشخیص نوع اثرات در نگاره (۳) نشان داده شده‌اند. سطح معناداری آماره کای اسکوتر^۱ نیز برای تمامی

نگاره ۳. نتایج آزمون هاسمن

مدل	ETR		BTD	
	آماره هاسمن (کای اسکوتر)	سطح معناداری	آماره هاسمن (کای اسکوتر)	سطح معناداری
۱	۲۵/۵۵۹	۰/۰۰۶	۳۱/۷۷۹	۰/۰۱۰
۲	۲۳/۸۲۲	۰/۰۰۰	۳۲/۷۵۵	۰/۰۱۷

منبع: یافته‌های پژوهش

1. Chi-Sq. Statistic

نتایج آزمون فرضیه‌ها

در این پژوهش با توجه به به پانلی بودن داده‌ها، برای برقراری همسانی واریانس از روش *white* cross-section و برای ارزیابی خودهمبستگی سریالی بین اجزای اخلاص از آزمون دوربین واتسون استفاده می‌شود. برای آزمون معناداری الگوهای رگرسیون از توزیع فیشرا^۱ و برای معناداری ضرایب متغیرها از توزیع تی استیودنت^۲ استفاده می‌شود؛ درنهایت، با توجه به تعداد بالای مشاهدات (۷۷۰ سال - شرکت) و قضیه حد مرکزی، انحراف از فرض نرمال بودن جملات پسماند معمولاً بی‌اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است. از جمله مفروضاتی که در این پژوهش بررسی می‌شوند، نبود هم‌خطی میان متغیرهای مدل است. برای بررسی نبود هم‌خطی میان متغیرهای مدل، از عامل تورم واریانس^۳ و تولرانس استفاده می‌شود. تجربیات عملی نشان می‌دهند اگر عامل تورم واریانس بزرگ‌تر از عدد ۵ باشد، یک اخطار احتمالی وجود دارد. اگر این عدد

بزرگ‌تر از ۱۰ باشد، اخطاری جدی را یادآور می‌شود و نشان می‌دهد ضرایب رگرسیونی مربوطه به علت هم‌خطی چندگانه به صورت ضعیف برآورد شده‌اند. مقادیر تولرانس و عامل تورم واریانس برای متغیرهای مستقل در نگاره (۵) و (۶) ارائه شده‌اند. میزان تولرانس برای متغیرهای مستقل بیشتر از ۲۴٪ و در بیشتر موارد نزدیک به ۱ است. همچنین، عامل تورم واریانس نیز کمتر از ۵ است؛ در نتیجه، فرضیه نبود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل تأیید می‌شود. زیادبودن همبستگی بین متغیرهای مستقل در یک مدل رگرسیون احتمالاً به مخدوش شدن نتایج منجر می‌شود. منظور از همبستگی بالا، همبستگی شدید یا بیش از ۵۰٪ است. مطابق با نگاره (۴)، همبستگی بیش از ۵۰٪ وجود ندارد. بیشترین مقدار همبستگی، بین متغیرهای تفاوت دفتری مالیات (BTD) و بازده دارایی‌ها (ROA) وجود دارد که همبستگی مثبت ۴۹ درصدی بین این دو متغیر را نشان می‌دهد.

نگاره ۴. نتایج آزمون ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل و کنترلی

	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	
1. ETR														۱	
2. BTD													۱	۰/۴۷	
3. FED												۱	-۰/۰۳	۰	
4. ACCD											۱	۰/۳۹	-۰/۰۲	۰/۰۴	
5. NONACCD										۱	-۰/۳۷	۰/۴۳	۰	-۰/۰۳	
6. PROSPECT									۱	-۰/۰۲	-۰/۰۳	-۰/۰۶	۰	-۰/۰۹	
7. ACSIZE								۱	-۰/۰۳	-۰/۰۵	-۰/۰۸	-۰/۱۵	۰/۰۵	۰/۰۴	
8. BSIZE							۱	-۰/۰۴	-۰/۰۷	۰/۰۵	-۰/۰۵	۰	-۰/۰۴	-۰/۰۳	
9. OUTD						۱	-۰/۰۲	۰/۱۲	۰/۰۴	-۰/۰۴	-۰/۰۴	-۰/۰۸	-۰/۰۶	۰/۰۴	
10. INTAN					۱	۰/۰۲	-۰/۰۵	۰	-۰/۰۷	-۰/۰۹	۰/۰۷	-۰/۰۲	-۰/۰۳	۰/۰۳	
11. LEV				۱	۰/۰۳	-۰/۰۸	-۰/۱۰	-۰/۰۹	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۱۰	۰/۱۱	-۰/۳۸	-۰/۲۴	
12. PPEINT			۱	۰/۰۲	۰/۲۶	۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۰۳	-۰/۲۶	-۰/۱۳	۰/۰۶	-۰/۰۸	۰/۰۴	۰/۰۱	
13. ROA		۱	-۰/۰۶	-۰/۲۸	-۰/۰۵	-۰/۰۳	-۰/۰۳	۰/۰۷	۰/۱۰	۰/۰۱	-۰/۱۱	-۰/۱۰	۰/۴۹	-۰/۰۳	
14. SIZE	۱	-۰/۱۰	-۰/۱۰	-۰/۰۲	-۰/۰۶	-۰/۰۱	-۰/۰۲	۰/۳۶	-۰/۲۶	۰/۱۲	-۰/۰۸	۰/۰۵	۰	۰/۱۵	

منبع: یافته‌های پژوهش

1. F distribution
2. T student
3. VIF

شرکت‌های تدافعی است. به عبارت دیگر، با افزایش تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌های تدافعی اجتناب مالیاتی آنها افزایش می‌یابد. همچنین، به دلیل اینکه سطح معناداری متغیر حاصلضرب تخصص مالی کمیته حسابرسی در شرکت‌های تهاجمی (FED*PROSPECT) برابر با ۰/۲۷۶ و ۰/۱۱۹ (بیشتر از ۰/۰۵) است، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌های تهاجمی بر اجتناب مالیاتی آنها تأثیر معناداری ندارد؛ در نهایت، با توجه به نگاره زیر و ضرایب مربوطه، فرضیه دوم تأیید و فرضیه اول رد می‌شود.

در نگاره (۵)، نتایج تخمین مدل اول ارائه شده‌اند. با توجه به مقدار سطح معناداری آماره F، معنی‌دار بودن کلی مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل نیز نشان می‌دهد به ترتیب ۸۳/۷٪ و ۸۲/۶٪ از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای واردشده در مدل تبیین می‌شود. همچنین، مقدار آماره دوربین واتسون، استقلال باقیمانده‌های مدل را تأیید می‌کند. ضریب PROSPECT (۰/۲۴۶، ۰/۱۷۷) نشان‌دهنده سطح بالای اجتناب مالیاتی در شرکت‌های تهاجمی است. علاوه بر این، ضریب مثبت و معنادار FED (۰/۰۶۱، ۰/۰۱۵)، نشان‌دهنده اثر معنادار تخصص مالی کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی در

نگاره ۵. نتایج تخمین مدل اول

تولرانس	VIF	BTD			ETR			متغیر
		معناداری	آماره T	ضریب	معناداری	آماره T	ضریب	
-	-	۰/۰۰۰	-۵/۹۹۶	-۰/۱۷۹	۰/۰۰۰	-۷/۷۷۰	-۰/۶۳۷	مقدار ثابت مدل (C)
۰/۵	۱/۹۹۸	۰/۰۰۸	۲/۶۲۸	۰/۰۱۵	۰/۰۰۰	۹/۶۳۲	۰/۰۶۱	FED
۰/۲۴۳	۴/۱۲۳	۰/۱۱۹	۱/۵۵۷	۰/۰۱۷	۰/۲۷۶	۱/۰۸۸	۰/۰۱۸	FED*PROSPECT
۰/۳۲۵	۳/۰۸	۰/۰۰۰	۴/۲۸۳	۰/۱۷۷	۰/۰۰۰	۹/۰۸۲	۰/۲۴۶	PROSPECT
۰/۸۳۳	۱/۲۰۱	۰/۳۳۰	۰/۹۷۵	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰	۵/۰۸۵	۰/۰۵۱	ACSIZE
۰/۹۶۱	۱/۰۴۱	۰/۰۴۴	۲/۰۲۲	۰/۰۴۰	۰/۰۰۵	۲/۷۶۹	۰/۰۹۰	BSIZE
۰/۹۴۸	۱/۰۵۵	۰/۰۰۰	۳/۶۶۲	۰/۰۱۸	۰/۶۵۵	۰/۴۴۶	۰/۰۰۶	OUTD
۰/۸۹۷	۱/۱۱۵	۰/۱۳۱	-۱/۵۱۳	-۰/۱۳۱	۰/۰۱۰	۲/۵۷۲	۰/۳۳۴	INTAN
۰/۸۷۷	۱/۱۴	۰/۰۰۰	-۱۲/۳۳۸	-۰/۰۶۴	۰/۰۰۰	-۶/۱۵۳	-۰/۰۶۶	LEV
۰/۸۵۹	۱/۱۶۴	۰/۰۰۶	-۲/۷۳۴	-۰/۰۲۴	۰/۰۹۲	-۱/۶۸۷	-۰/۰۰۶	PPEINT
۰/۸۷۹	۱/۱۳۸	۰/۰۰۰	۲۰/۸۱۴	۰/۴۰۹	۰/۰۰۰	-۵/۸۷۳	-۰/۱۲۶	ROA
۰/۸۲۱	۱/۲۱۷	۰/۰۰۰	۹/۶۵۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰	۶/۲۵۶	۰/۰۲۳	SIZE
-	-	در نظر گرفته شده است.			در نظر گرفته شده است.			INDUSTRY
-	-	در نظر گرفته شده است.			در نظر گرفته شده است.			YEAR
		۲۳/۶۸۳ (۰/۰۰۰)			۲۵/۸۴۹ (۰/۰۰۰)			آماره F (سطح معناداری)
		۰/۸۶۰			۰/۸۷۰			ضریب تعیین
		۰/۸۲۴			۰/۸۳۷			ضریب تعیین تعدیل‌شده
		۱/۷۶۴			۱/۸۰۷			آماره دوربین واتسون

منبع: یافته‌های پژوهش

مالیاتی در شرکت‌های تدافعی است. به عبارت دیگر، با افزایش خبرگی و تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌های تدافعی اجتناب مالیاتی آنها افزایش می‌یابد. همچنین، به دلیل اینکه سطح معناداری متغیر حاصلضرب خبرگی و تخصص حسابداری کمیته حسابرسی در شرکت‌های تهاجمی (ACCD*PROSPECT) برابر با ۰/۷۴۲ و ۰/۸۱۹ (بیشتر از ۰/۰۵) است، خبرگی و تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌های تهاجمی بر اجتناب مالیاتی آنها تأثیر معناداری ندارد؛ در نهایت، با توجه به نگاره زیر و ضرایب مربوطه، فرضیه چهارم تأیید و فرضیه سوم رد می‌شود.

در نگاره (۶)، نتایج تخمین مدل دوم ارائه شده است. با توجه به مقدار سطح معناداری آماره F، معنی‌دار بودن کلی مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز نشان می‌دهد به ترتیب ۸۶/۸٪ و ۸۴/۴٪ از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. همچنین، مقدار آماره دوربین و اتسون، استقلال باقیمانده‌های مدل را تأیید می‌کند. ضریب PROSPECT (۰/۲۶۲، ۰/۱۹۰) نشان‌دهنده سطح بالای اجتناب مالیاتی در شرکت‌های تهاجمی است. علاوه بر این، ضریب مثبت و معنادار ACCD (۰/۰۳۲، ۰/۰۳۰)، نشان‌دهنده اثر معنادار خبرگی و تخصص حسابداری کمیته حسابرسی بر اجتناب

نگاره ۶. نتایج تخمین مدل دوم

تولرانس	VIF	BTD			ETR			متغیر
		معناداری	آماره T	ضریب	معناداری	آماره T	ضریب	
-	-	۰/۰۰۰	-۵/۴۵۹	-۰/۲۱۸	۰/۰۰۰	-۶/۰۹۲	-۰/۵۶۶	مقدار ثابت مدل (C)
۰/۲۹۸	۳/۳۶	۰/۰۰۰	۹/۸۰۵	۰/۰۳۲	۰/۰۰۰	۴/۲۵۹	۰/۰۳۰	ACCD
۰/۲۶۲	۳/۸۱	۰/۰۰۰	-۴/۳۷۴	-۰/۰۲۰	۰/۰۰۱	-۳/۵۰۰	-۰/۰۳۷	NONACCD
۰/۲۵۳	۳/۹۵۶	۰/۸۱۹	۰/۲۲۸	۰/۰۰۱	۰/۷۴۲	-۰/۳۲۹	-۰/۰۰۳	ACCD*PROSPECT
۰/۲۸۵	۳/۵۱	۰/۰۰۰	۴/۴۷۹	۰/۰۲۲	۰/۴۳۲	۰/۷۸۷	۰/۰۱۴	NONACCD*PROSPECT
۰/۳۲۵	۳/۰۸	۰/۰۰۰	۴/۴۴۴	۰/۱۹۰	۰/۰۰۰	۱۲/۱۸۴	۰/۲۶۲	PROSPECT
۰/۸۰۵	۱/۲۴۲	۰/۳۳۴	۰/۹۶۷	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰	۵/۰۸۷	۰/۰۳۶	ACSIZE
۰/۹۵۱	۱/۰۵۱	۰/۰۰۶	۲/۷۴۳	۰/۰۴۷	۰/۱۱۷	۱/۵۶۹	۰/۰۶۲	BFSIZE
۰/۹۱۹	۱/۰۸۸	۰/۰۰۴	۲/۸۶۷	۰/۰۱۴	۰/۶۶۹	۰/۴۲۶	۰/۰۰۵	OUTD
۰/۹	۱/۱۱۱	۰/۰۰۰	-۳/۹۶۴	-۰/۲۲۰	۰/۹۰۰	-۰/۱۲۴	-۰/۰۲۹	INTAN
۰/۸۶۹	۱/۱۵۱	۰/۰۰۰	-۹/۲۱۰	-۰/۰۵۹	۰/۰۰۰	-۸/۳۴۷	-۰/۰۷۴	LEV
۰/۸۵	۱/۱۷۷	۰/۰۰۶	-۲/۷۶۵	-۰/۰۲۴	۰/۰۰۳	-۲/۹۵۶	-۰/۰۱۳	PPEINT
۰/۸۶۳	۱/۱۵۹	۰/۰۰۰	۱۹/۳۴۶	۰/۴۰۹	۰/۰۰۰	-۶/۱۹۰	-۰/۱۴۲	ROA
۰/۷۸۵	۱/۲۷۳	۰/۰۰۰	۸/۳۸۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰	۶/۱۸۷	۰/۰۲۲	SIZE
-	-	در نظر گرفته شده است.			در نظر گرفته شده است.			INDUSTRY
-	-	در نظر گرفته شده است.			در نظر گرفته شده است.			YEAR
		۲۶/۹۹۸ (۰/۰۰۰)			۳۲/۰۰۵ (۰/۰۰۰)			آماره F (سطح معناداری F)
		۰/۸۷۷			۰/۸۹۴			ضریب تعیین
		۰/۸۴۴			۰/۸۶۶			ضریب تعیین تعدیل شده
		۱/۷۹۷			۱/۸۵۷			آماره دوربین و اتسون

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ۱۵۴ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ نمونه در نظر گرفته شده‌اند. نقش تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر رابطه بین استراتژی کسب‌وکار و اجتناب مالیاتی، با استفاده از روش تحلیل تجربی بررسی شده است. در این پژوهش اجتناب مالیاتی، با استفاده از دو متغیر نرخ مؤثر مالیات و تفاوت دفتری مالیات اندازه‌گیری شده است. از روش اینتر و لرکر [۲۴] برای اندازه‌گیری استراتژی کسب‌وکار و از پژوهش پی و همکاران [۳۲] برای اندازه‌گیری تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی استفاده شده است.

برخلاف انتظارات، نتایج پژوهش در رابطه با فرضیه اول، نشان‌دهنده نداشتن تأثیر معنادار تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های تهاجمی است؛ بنابراین، فرضیه اول تأیید نمی‌شود. یافته‌های پژوهش درباره این فرضیه با نتایج مطالعات پی و همکاران [۳۲] مطابقت ندارند.

نتایج پژوهش در رابطه با فرضیه دوم نشان می‌دهند با افزایش تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌های تدافعی، اجتناب مالیاتی آنها افزایش می‌یابد؛ بنابراین، فرضیه دوم پذیرفته می‌شود. یافته‌های پژوهش درباره این فرضیه با نتایج مطالعات پی و همکاران [۳۲] مطابقت دارند.

نتایج پژوهش در رابطه با فرضیه سوم، نشان‌دهنده نداشتن تأثیر معنادار خبرگی و تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های تهاجمی است؛ بنابراین، فرضیه سوم تأیید نمی‌شود. یافته‌های پژوهش درباره این فرضیه با نتایج مطالعات پی و همکاران [۳۲] مطابقت ندارند.

علاوه بر این، نتایج پژوهش در رابطه با فرضیه چهارم نشان می‌دهند با افزایش خبرگی و تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌های تدافعی اجتناب مالیاتی آنها افزایش می‌یابد؛ بنابراین، فرضیه چهارم پذیرفته می‌شود. یافته‌های پژوهش درباره این فرضیه با نتایج مطالعات پی و همکاران [۳۲] مطابقت دارد.

همچنین، یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده سطح بالای اجتناب مالیاتی در شرکت‌های تهاجمی و سطح پایین اجتناب مالیاتی در شرکت‌های تدافعی است. یافته‌های پژوهش در این مورد با نتایج مطالعات پی و همکاران [۳۲]، هیگینز و همکاران [۲۱] و دیانتی و همکاران [۵] مطابقت دارند.

به‌طور کلی نتایج این پژوهش نشان می‌دهند متخصصان مالی کمیته حسابرسی، تنها نقش مشاوره‌ای (تشویق به فعالیت‌های اجتناب مالیاتی) برای شرکت‌های تدافعی دارند. علاوه بر این، نتایج بیان می‌کنند متخصصان حسابداری در نتایج به‌دست‌آمده همانند نقش متخصصان مالی کمیته حسابرسی عمل می‌کنند و در برنامه‌ریزی مالیاتی برای شرکت‌های تهاجمی، نقش نظارتی خود را ایفا نمی‌کنند.

بنابراین به سرمایه‌گذاران، بانک‌ها، دولت، حساب‌برسان، مدیران و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی پیشنهاد می‌شود برای ارزیابی برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌ها و تصمیم‌گیری نسبت به خرید یا فروش سهام شرکت‌ها، اعطای وام و بررسی فعالیت‌های آنها، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی شرکت و همچنین، نوع استراتژی انتخابی شرکت را در کنار سایر معیارها مدنظر قرار دهند.

اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله دانش حسابرسی*، سال ۱۳، شماره ۵۱، صص ۴۳-۶۸.

۴. خواجهی، شکراله و محمد کیامهر. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه پژوهشنامه مالیات*، دوره ۲۳، شماره ۲۶، صص ۸۷-۱۰۸.

۵. روستایی دره میانه، الهام، دیانتی دیلمی، زهرا و بهمن بنی‌مهد. (۱۳۹۴). رابطه بین استراتژی تجاری شرکت و سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه پژوهشنامه مالیات*، دوره ۲۳، شماره ۲۵، صص ۵۳-۷۴.

۶. شجاع لاله کائی، طاهره و بهزاد نیک‌کار. (۱۳۹۷). آزمون ارتباط استقلال هیئت‌مدیره، اندازه هیئت‌مدیره و کیفیت حسابرسی با اجتناب مالیاتی. *فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۱-۱۴.

7. Adams, R. B., & Ferreira, D. (2007). A theory of friendly boards. *The journal of finance*, 62(1), 217-250.

8. Armstrong, C., Blouin, J. L., Jagolinzer, A. D., & Larcker, D. F. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1), 1-17.

9. Baysinger, B., & Butler, H. (1985). Corporate governance and the board of directors: Performance effects of changes in board composition. *Journal of Law, Economics and Organizations*, 1, 101-124.

10. Baysinger, B. D., & Hoskisson, R. E. (1990). The composition of boards of directors and strategic control: Effects of corporate strategy. *Academy of Management Review* 15(1), 72-87.

11. Carpenter, R. N. (1988). Cooperative governance, part II. Directors' responsibilities. *Directors & Boards*, 29(3), 3-6.

12. Chan, K., P. Mo., & Zhou, A. (2013). Government ownership, corporate governance and tax aggressiveness:

از محدودیت‌های پژوهش نیز به موارد زیر اشاره می‌شود:

الف) هزینه‌های تحقیق و توسعه عامل تعیین‌کننده‌ای در تشخیص استراتژی انتخابی شرکت‌ها است که به دلیل فاش‌نشدن اطلاعات مربوط به هزینه‌های تحقیق و توسعه در ایران، از دیگر داده‌های صورت‌های مالی برای تعیین استراتژی انتخابی شرکت‌ها (روش امتیازدهی ایتر و لرکر) استفاده شده است.

ب) با توجه به بالا بودن نرخ تورم و نوسانات شدید این نرخ در کشور ایران، عامل تورم به‌عنوان متغیر کلان اقتصادی بر نتایج پژوهش تأثیر می‌گذارد.

برای انجام پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود اثر معیارهای مرتبط با حاکمیت شرکتی بر رابطه بین استراتژی کسب و کار و اجتناب مالیاتی بررسی شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود از متغیرهای دیگری به‌عنوان شاخص‌های احتمالی اجتناب مالیاتی استفاده شود؛ از جمله این متغیرها به تفاوت‌های دائمی و موقتی مالیاتی می‌توان اشاره کرد.

منابع

۱. تنانی، محسن و محمد محب‌خواه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین استراتژی کسب و کار با کیفیت سود و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۱۰۵-۱۲۷.

۲. حساس یگانه، یحیی و مجتبی گل‌محمدی شورکی. (۱۳۹۰). رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگی‌های شرکت‌ها. *فصلنامه پژوهشنامه مالیات*، سال ۱۹، شماره ۱۲، صص ۵۸-.

۳. خانی، عبدالله، ایمانی، کریم و مهنام ملایی. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین تخصص حسابرسان در صنعت و

25. Kim, J., Li, Y., & Zhang, L. (2010). Corporate Tax Avoidance and Stock Price Crash Risk: Firm-Level Analysis. Forthcoming. *Journal of Financial Economics* 33, 375-400.
26. KPMG LLP. (2017). Is everything under control? 2017 Global Audit Committee Pulse Survey. Available at: <https://boardleadership.kpmg.us/relevanttopics/articles/2017/01/2017-global-audit-committee-pulse-survey.html>.
27. Miles, R. E., Snow, C. C., Meyer, A. D., & Coleman, H. J. (1978). Organizational strategy, structure, and process. *Academy of Management Review*, 3(3), 546-562.
28. Mills, L. F. (1998). Book-tax differences and Internal Revenue Service adjustments. *Journal of Accounting Research*, 36(2), 343-356.
29. Minnick, K., & Noga, T. (2010). Do corporate governance characteristics influence tax management?. *Journal of Corporate Finance*, 16(5), 703-718.
30. Mizruchi, M. S. (1983). Who controls whom? An explanation of the relation between management and boards of directors in large American corporations. *Academy of Management Review*, 8(3), 426-435.
31. Moore, J., Suh, S., & Werner, E. (2017). Dual entrenchment: Classified boards and family firm. *Journal of Business Research*, 79, 161-172.
32. Hsu, P. H., Moore, J. A., & Neubaum, D. O. (2018). Tax Avoidance, Financial Experts on the Audit Committee, and Business Strategy. *Journal of Finance & Accounting*, 45(9), 1293-1321.
33. Rego, S. O., & Wilson, R. (2012). Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50(3), 775-810.
34. Richardson, G., Taylor, G., & Lanis, R. (2013). The impact of board of director oversight characteristics on corporate tax aggressiveness: An empirical analysis. *Journal of Accounting and Public Policy*, 32(3), 68-88.
35. Robinson, J., Xue, Y., & Zhang, M. (2012). Tax planning and financial expertise in the audit committee. *Working Paper*.
- Evidence from China. *Accounting and Finance*, 53, 1029-1051.
13. Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., & Shevlin, T. (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms?. *Journal of Financial Economics*, 95(1), 41-61.
14. Cook, K., Moser, W., & Omer, T. (2017). Tax avoidance and ex ante cost of capital. *Journal of Business Finance & Accounting*, 44(7-8), 1109-1136.
15. Deloitte, LLP. (2014). Audit Committee Brief: What's on your agenda for 2015. Available at: <http://www.iasplus.com/en-us/publications/us/acb/2014/nov-dec>.
16. Desai, M.A., & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79(1), 145-179.
17. Fama, E. F., & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *Journal of Law and Economics*, 26(2), 301-325.
18. Forbes, D. P., & Milliken, F. J. (1999). Cognition and corporate governance: Understanding boards of directors as strategic decision-making groups. *Academy of Management Review*, 24(3), 489-505.
19. Gupta, A. K. (1987). SBU strategies, corporate-SBU relations, and SBU effectiveness in strategy implementation. *Academy of Management Journal*, 30(3), 477-500.
20. Hambrick, D. C., & C. C. Snow. C. (1989). Strategic reward systems. In C. C. Snow (Ed.), *Strategy, organization design, and human resource management* (pp. 333-367). Greenwich, CT: JAI Press.
21. Higgins, D., Omer, T., & Phillips, J. (2015). The influence of a firm's business strategy on its tax aggressiveness. *Contemporary Accounting Research*, 32(2), 674-702.
22. Hoskisson, R. E., & Hitt, M. A. (1988). Strategic control systems and relative R & D investment in large multiproduct firms. *Strategic Management Journal*, 9, 506-621.
23. Hui, Liang James. (2019). *CEO age and tax planning*. Financial Economics.
24. Ittner, C., & Larcker, D. (1997). Product Development Cycle Time and Organizational Performance. *Journal of Marketing Research*, 34(1), 13-23.

- model. *Journal of Management*, 15(2), 291-334.
39. Zahra, S. A., & Pearce, J. A. (1990). Research evidence on the Miles-Snow typology. *Journal of Management*, 16(4), 751-786
40. Zeng, Tao. (2019). Relationship between corporate social responsibility and tax avoidance: international evidence. *Social Responsibility Journal*, 15, 244-257
36. Slemrod, J. 2004. The economics of corporate tax selfishness. *National Tax Journal*, 57(4): 877-899.
37. Steijvers, T., & Niskanen, M. (2014). Tax aggressiveness in private family firms: An agency perspective. *Journal of Family Business Strategy*, 5, 347-357.
38. Zahra, S. A., & Pearce, J. A. (1989). Boards of directors and corporate financial performance: A review and integrative